

## سیاست امنیتی فدراسیون روسیه در قبال افغانستان نوین

سید محمد کاظم سجادی پور<sup>۱</sup>

محمد تقی جهان بخش<sup>۲</sup>

خروج نیروهای شوروی از افغانستان، مسئله افغان را در ذهن دولت مردان روس تا سال‌ها بعد - زمانی که ریشه جنبش‌های جدایی طلبانه درون قلمرو خود را در افغانستان تحت سلطه طالبان یافتند - به حاشیه راند. حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ابعاد جدیدی از تروریسم و تهدیدهای بالقوه و بالفعل بنیادگرایان حاکم در افغانستان را آشکار کرد و تهاجم آمریکا جهت سرنگونی رژیم طالبان، فرصت ایفای نقش فعال‌تر در مناسبات بین‌المللی و مبارزه علیه تروریسم را برای فدراسیون روسیه فراهم نمود. این مقاله در جستجوی پاسخ این سوال است که «سیاست امنیتی فدراسیون روسیه در قبال افغانستان پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ چگونه قابل تحلیل است؟». یافته‌های این مقاله که بر اساس تحلیل آخرین سند امنیت ملی فدراسیون روسیه و کنش و واکنش‌های امنیتی این کشور در رابطه با افغانستان در درون جامعه افغانستان، حوزه اوراسیا مرکزی و در مرزهای فدراسیون روسیه انجام گرفته، حکایت از آن دارد که روسیه در دو سطح به اعمال سیاست‌هایی جهت کاهش یا رفع تهدیدات برخاسته از افغانستان مبادرت نموده است. در سطح نخست، این کشور اقداماتی را در ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی - نظامی در افغانستان اتخاذ کرده که به‌طور عمده همکاری با ناتو؛ مبارزه علیه تروریسم، تولید و قاچاق مواد مخدر؛ تلاش برای گسترش نفوذ سیاسی در افغانستان؛ حضور و سرمایه‌گذاری اقتصادی؛ اعطا و فروش تسلیحات؛ کمک‌های نظامی، امنیتی و آموزشی بوده است. در سطح منطقه‌ای نیز به همکاری با ناتو و آمریکا در ابعاد تدارکاتی، ارتباطی و اطلاعاتی پرداخته و در جهت تقویت و تحکیم نظامات امنیت منطقه‌ای اوراسیا و جلب مشارکت افغانستان در این مناسبات حرکت کرده است.

**واژگان کلیدی:** افغانستان، تروریسم، سیاست امنیتی، فدراسیون روسیه و قاچاق مواد مخدر.

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول، دانشیار دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران.

Email: smksajjad@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات اوراسیا، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران.

Email: djahanbakhsh@chmail.ir

تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۵، تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۱۲

## مقدمه

با ظهور طالبان در افغانستان و تصرف بخش‌های مهمی از این کشور، ناامنی‌های ناشی از اندیشه و اقدامات برخاسته از آن، دو منطقه راهبردی خاورمیانه و اوراسیای مرکزی را تحت تأثیر قرار داد. ابعاد فعالیت‌های تروریستی نیروهای تحت حمایت طالبان از افغانستان به سایر کشورهای منطقه گسترش یافت و روسیه را که سخت درگیر مسائل و معضلات پیچیده سیاسی و اقتصادی بود، متوجه خود ساخت. گسترش فعالیت گروه‌های اسلام‌گرای نزدیک به طالبان در کشورهای آسیای مرکزی و حتی درون مرزهای فدراسیون روسیه در چین، داغستان و اینگوش، زنگ خطر افزایش ناامنی در مرزهای روسیه و منطقه خارج نزدیک را برای دولتمردان روس به صدا درآورد. اوج فعالیت گروه‌های تروریستی مقیم افغانستان حمله به برج‌های دوقلو در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود. این حادثه، سرآغاز تحولات گسترده‌ای بود که با هدف مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی اسلامی از جانب آمریکا و متحدان آن صورت گرفت. پس از این حملات، پوتین در پیامی به جرج بوش ضمن ابراز همدردی، بر حق این کشور برای مجازات و تنبیه تروریست‌ها تأکید و در نخستین سخنرانی خود پس از این حادثه از وجود «دشمنان جهان متمدن» یاد کرد. همچنین اعلام کرد که روسیه و متحدان آن در آسیای مرکزی با ائتلاف ضدتروریسم به رهبری آمریکا همکاری خواهند کرد. در حقیقت پوتین پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، شاهره تنفسی راهبردی و حوزه امنیتی روسیه در آسیای مرکزی را جهت مبارزه با تروریسم در افغانستان به روی آمریکا و ناتو که تا پیش از آن به عنوان رقبای آشتی‌ناپذیر روسیه قلمداد می‌شدند، گشود. از سوی دیگر تدابیر مشترکی با کشورهای چین و منطقه آسیای مرکزی جهت کنترل ناامنی‌های افغانستان اتخاذ نمود.

امروز پس از گذشت ربع قرن از خروج ارتش اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان، زمزمه خروج نیروهای غربی از این کشور مطرح‌شده و افغانستان در موقعیت تاریخی دیگری قرار گرفته است. خطر بالقوه تهدیدهای افغانستان پس‌ائتلاف به عنوان موضوع نگرانی جامعه جهانی و به‌ویژه همسایگان این کشور مطرح است. کاهش حضور آمریکا و نیز منافع آن در افغانستان، امکان بازیگری سایر قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی از جمله چین، روسیه، هند و ایران را افزایش می‌دهد. در این میان روس‌ها امکان بیشتری برای بازیگری در افغانستان دارند. روس‌ها تهدیدهای متنوعی را از سوی افغانستان متوجه خود می‌بینند و البته منافع

قابل توجهی نیز در افغانستان دارند؛ بنابراین می‌بایست راهبردی را اتخاذ نماید که ضمن تأمین منافع و امنیت خود و منطقه به کمترین میزان در مسائل داخلی افغانستان درگیر شود. آنچه برای روسیه در وهله اول اهمیت دارد، کاهش تهدیدها به‌طور عام و تهدیدهای امنیتی افغانستان به‌طور خاص است. در این راستا روسیه طی دوره مورد بررسی، سیاست‌هایی اعمال کرده است که این پژوهش در صدد شناسایی و تحلیل آنها است.

### چارچوب نظری

از نظر مفهومی و نظری به‌طور کلی سه رهیافت ایدئولوژیک، واقع‌گرایی تهاجمی<sup>۱</sup> و واقع‌گرایی تدافعی<sup>۲</sup> پیرامون ماهیت و رفتار سیاست امنیتی فدراسیون روسیه قابل تصور و شناسایی است. بر اساس رویکرد ایدئولوژیک، هدف سیاست خارجی و امنیتی فدراسیون روسیه، تحقق راهبرد بلندمدت «قدرت بزرگ مدرن هنجارمند» یا به‌طور مختصر تحقق «قدرت بزرگ روسیه» است. بر اساس اظهارات مقامات روس و اسناد بالادستی امنیتی و سیاست خارجی فدراسیون روسیه، تحقق این امر بیشتر در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی مدنظر قرار دارد (کرمی (ب)، ۱۳۸۴). این راهبرد هرچند کم‌وبیش از اواسط دهه ۹۰ میلادی در روسیه دنبال شده، اما پس از روی کار آمدن پوتین به عنوان اولویت سیاست خارجی این کشور مطرح بوده و در اندیشه رهبران روسیه، محدوده پیرامونی این کشور در سیاست خارجی و امنیتی آن ارجحیت داشته است؛ بنابراین رفتار امنیتی روسیه در عرصه بین‌المللی به‌طور عام و در خارج نزدیک به‌طور خاص، متأثر از این اندیشه تاریخی بوده است (فیضی، ۱۳۹۰: ۱۸۵).

دومین رویکردی که می‌تواند در تبیین سیاست امنیتی روسیه راهگشا باشد، واقع‌گرایی تهاجمی است. بر اساس این نظریه، کشورهایی که با تهدیدهای دائمی و واقعی مواجه هستند، ماهیتی تجدیدنظرطلب داشته و تهاجمی رفتار می‌کنند. از این‌رو، هدف و انگیزه اصلی کشورها بیشینه‌سازی قدرت و امنیت است. آنها تلاش می‌کنند با بیشینه‌سازی نفوذ و قدرت نسبی خود امنیت خود را به حداکثر برسانند. در شرایط زمانی و مکانی که منافع حداکثرسازی قدرت بیش از هزینه آن باشد، کشورها به قیمت کاهش امنیت دیگران

---

<sup>۱</sup>. Offensive Realism

<sup>۲</sup>. Defensive Realism

به آن دست می‌زنند (Mearsheimer, 2014: 37-40)؛ بنابراین می‌توان گفت که سیاست امنیتی فدراسیون روسیه در قبال اوراسیای مرکزی مبتنی بر ترکیبی از رویکرد ایدئولوژیک و واقع‌گرایی تهاجمی است.

سومین رویکرد نظری جهت تبیین و تحلیل سیاست امنیتی فدراسیون روسیه، نظریه واقع‌گرایی تدافعی است. بر این اساس کشورها ماهیتاً دفاعی بوده و در وضعیت آنارشی تنها به تهدیدهای امنیتی در شرایط ناامنی واکنش نشان می‌دهند. این واکنش به صورت موازنه‌سازی و بازدارندگی قدرت‌های تهدیدکننده تجلی می‌یابد. موازنه‌سازی اولین و مهم‌ترین راهبرد کشورهای تدافعی عاقل در شرایط تهدیدکننده و ناامن آنارشیک است. تجلی و نمود طبیعی راهبرد موازنه‌سازی، تأسیس اتحادها و تشکیل ائتلاف‌های نظامی و غیرنظامی در سطوح منطقه‌ای و جهانی است. کشورها وقتی احساس کنند که امنیت و بقا در اتحاد و ائتلاف با دیگر کشورها بهتر و بیشتر از اقدام یک‌جانبه تأمین و تضمین می‌شود به این امر دست می‌زنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۱۵).

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت که سیاست امنیتی فدراسیون روسیه در قبال افغانستان سیاستی مبتنی بر واقع‌گرایی تدافعی بوده و دولت‌مردان کرملین در بازه زمانی موردنظر این مقاله، عمدتاً در پی تخفیف امواج تهدیدزا از جانب افغانستان بوده‌اند و در این راستا به ایجاد و تقویت ثبات در افغانستان و ممانعت از صدور افراط‌گرایی، تروریسم، مواد مخدر و شرارت از افغانستان به منطقه خارج نزدیک به عنوان حلقه امنیتی روسیه و محلی که روس‌ها آن را به عنوان محیط امنیتی فوری خود قلمداد می‌کنند، مبادرت نموده است. همچنین فدراسیون روسیه تلاش کرده است تا با ایجاد و تقویت ائتلاف‌های منطقه‌ای مانند سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی و سازمان همکاری شانگهای و نیز تحکیم روابط دوجانبه امنیتی خود، مانع از گسترش تهدیدهای افغانستان به عمق استراتژیک و سرریز آن به قلمرو خود، همچنین محدود ساختن نفوذ ایالات متحده آمریکا در آسیای مرکزی شود.

با توجه به دیدگاه نظری و مفهومی فوق، مقاله حاضر در پاسخ به این پرسش که «سیاست امنیتی فدراسیون روسیه در قبال افغانستان پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ چگونه قابل تحلیل است؟» در بهره نخست تهدیدهایی را که از جانب افغانستان علیه روسیه متصور است، بررسی نموده و در بهره دوم به بحث و تحلیل اقدامات و سیاست‌های اتخاذ شده توسط روسیه در پاسخ به این تهدیدها پرداخته است.

### بهره اول: تهدیدهای امنیتی متوجه فدراسیون روسیه از سوی افغانستان

روس‌ها در آخرین سند راهبرد امنیت ملی خود که در سال ۲۰۰۹ منتشر شده است، تهدیدهای عمده‌ای را ذکر کرده‌اند که به عنوان مقدمه بحث ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس تهدیدهای متوجه فدراسیون روسیه در دو سطح داخلی و خارجی قابل شناسایی، طبقه‌بندی و تحلیل است. تهدیدهای عمده متوجه منافع و امنیت فدراسیون روسیه در سطح داخلی عبارت هستند از؛ تروریسم و جنایات سازمان‌یافته، فعالیت گروه‌های بنیادگرا و جدایی طلب، مهاجرت غیرقانونی به فدراسیون روسیه، عقب‌ماندگی در حوزه فناوری، توسعه نیافتگی اقتصادی، گسترش مخاطرات بهداشتی و زیست‌محیطی. در سطح خارجی نیز تهدیدهای متعددی از جمله بازگشت یک‌جانبه‌گرایی به روابط بین‌الملل، تلاش برخی قدرت‌ها جهت برهم زدن موازنه راهبردی، گسترش ناتو به شرق، قاچاق مواد مخدر و روان گردان، فعالیت گروه‌های سازمان‌یافته تروریستی و جرم، بحران مالی جهانی، اشاعه جنگ‌افزارهای متعارف و کشتار جمعی و مناقشات مرزی پیش‌روی این کشور تصویر شده است. تأکید بر تهدیدهای فوق در سندی که یکی از مهم‌ترین اسناد بالادستی در فدراسیون روسیه تلقی می‌شود گویای این واقعیت است که روسیه دامنه امنیت را به حوزه‌های مختلف از جمله محیط‌زیست، فرهنگ و بهداشت گسترانده و امنیت را در مفهوم گسترده آن مدنظر دارد. نکته دیگر این که بخشی از تهدیدهای ذکر شده مانند افراط‌گرایی، قاچاق مواد مخدر و شرارت به طور عمده از جانب افغانستان برمی‌خیزند (جهانبخش، ۱۳۹۳: ۸۵-۸۶).

با ذکر این مقدمه به بررسی تهدیدهای افغانستان علیه روسیه در سه سطح می‌پردازیم. نخستین سطح به بررسی تهدیدهای بالفعل و بالقوه در محیط داخلی افغانستان علیه فدراسیون روسیه اختصاص دارد؛ سطح دوم، بر شناسایی تهدیدهای افغانستان در منطقه اوراسیای مرکزی علیه فدراسیون روسیه تمرکز نموده و آخرین سطح به بررسی و تحلیل تهدیدهای افغانستان درون مرزهای فدراسیون روسیه اختصاص یافته است.

### تهدیدهای بالفعل و بالقوه در محیط داخلی افغانستان علیه روسیه

از نقطه نظر روس‌ها آنچه در جامعه افغانستان می‌گذرد، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم امنیتی بر فدراسیون روسیه دارد. این پدیده ناشی از تحولات و تطوراتی است که در چند دهه گذشته در افغانستان در جریان بوده ولی اثرات آن محدود به جامعه افغانستان نمانده

است. از نظر روس‌ها تهدیدهایی از جمله افکار و اندیشه‌های روس ستیز، جریان‌های سیاسی مخالف روسیه، ناکامی در فرآیند دولت - ملت‌سازی و تولید و فرآوری مواد مخدر در محیط داخلی افغانستان منافع و امنیت روسیه را تهدید می‌کنند.

نخستین تهدید، وجود اندیشه‌های روس‌ستیز در میان مردم و نخبگان افغان است. روابط دو کشور روسیه و افغانستان در بالاترین سطح به اشغال افغانستان در دوره جنگ سرد انجامید که خاطره بسیار بدی در ذهن افغان‌ها بر جای گذاشته است. کشته شدن بیش از یک میلیون مجاهد، عده زیادی معلول و بیش از شش میلیون آواره، نتیجه تهاجم نیروهای اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان بوده است. دوران صدارت حزب دموکراتیک خلق افغانستان که جریان چپ وابسته به شوروی بود در حافظه تاریخی افغان‌ها به عنوان دوره‌ای سراسر دست‌نشاندهی، ظلم و خونریزی ثبت شده است (حسینی تبار سنگلاخی، ۱۳۹۳: ۱۷۹). اصولاً کودتای هفتم ثور<sup>۱</sup> در افغانستان، سرآغاز تجاوز اتحاد جماهیر شوروی و تمامی گرفتاری‌های موجود تلقی می‌شود. بسیاری از نخبگان، دانشگاهیان و سیاستمداران افغان، ریشه مسائل امروز این کشور را در اشغال نظامی افغانستان در دهه ۸۰ میلادی توسط اتحاد جماهیر شوروی جستجو می‌کنند. به عنوان نمونه، دکتر نصیر احمد نور<sup>۲</sup> معتقد است که «مشکل با دخالت، تجاوز و اشغال افغانستان توسط همسایه نیرومند شمالی‌اش در آن روزگار، یعنی اتحاد جماهیر شوروی، آغاز شد و با دخالت‌ها و فتنه‌های صادرشده از همسایه جنوبی ادامه داشته و دارد. اگر نقش همسایه در دامن زدن به جنگ‌های تنظیمی در افغانستان نبود، طالبان ایجاد نمی‌شد و اگر طالبان نبود، القاعده در افغانستان پایگاه نمی‌داشت و حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به افغانستان ارتباطی نمی‌داشت و در نتیجه امریکا و ناتو هرگز به افغانستان نمی‌آمدند و امروز ما موضوعی برای خروج ناتو از افغانستان و پیامدهای آن بر امنیت افغانستان، ایران و سایر همسایگان نمی‌داشتیم» (نور، ۱۳۹۲). بر این اساس می‌توان بیگانه‌ستیزی به‌طور عام و روس ستیزی به‌طور خاص را در فضای عمومی و سیاسی افغانستان مشاهده نمود. به‌طور کلی در افغانستان سه جریان عمده سیاسی قابل تفکیک و تمایز است؛ جهادی‌ها، سکولارها و طالبان (شفیعی، ۱۳۹۰: ۷۵).

<sup>۱</sup> کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ در افغانستان، منجر به سقوط دولت محمدداود خان و تسلط جریان چپ در افغانستان شد.

<sup>۲</sup> سفیر کبیر جمهوری اسلامی افغانستان در تهران

جهادی‌ها گروه‌های مسلمان افغان هستند که در دوره تهاجم اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان تشکیل و به مبارزه با نیروهای شوروی و دولت طرفدار این کشور پرداخته‌اند. پس از خروج شوروی و سقوط دولت دکتر نجیب‌الله، این گروه تحت عنوان «مجاهدین» در آوریل سال ۱۹۹۲ به قدرت رسیدند (طنین، ۱۳۹۰: ۴۰۰). مسئله خروج نیروهای بیگانه از افغانستان امری است که جهادی‌ها بر آن تأکید داشته‌اند. از این‌رو، بعید به نظر می‌رسد که با حضور و دخالت روسیه در افغانستان موافقت کنند؛ برعکس به نظر می‌رسد گروه‌هایی از جهادی‌ها مانند عبدالرب رسول سیاف<sup>۱</sup>، همچنان با حضور روس‌ها به شدت مخالف باشند. البته این مخالفت اصولاً مخالفت با حضور بیگانه است و از نظر غالب جهادی‌ها، روس و آمریکا تفاوت چندانی با هم ندارند (شفیعی، پیشین: ۷۶).

سکولارها به آن طیف فکری در افغانستان اطلاق می‌شود که خواهان جدایی دین از سیاست هستند. سکولارها به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند؛ فن‌سالاران غرب‌گرا (سکولارهای راست) و کمونیست‌ها شامل خلقی‌ها و پرچمی‌ها (سکولارهای چپ) (همان: ۷۸-۷۷). در میان سکولارها، احتمالاً تنها سکولارهای چپ از حضور مجدد روس‌ها در افغانستان خشنود خواهند شد؛ گروهی که به لحاظ کمیت اندک و به لحاظ تأثیرگذاری سیاسی در افغانستان، چندان توانا به نظر نمی‌رسند.

سومین گروه، طالبان افغانستان است. طالبان نسبت به کمونیست‌ها شدیداً انتقاد دارند. انتقاد آنها از کمونیست‌ها هم به دلیل نقش آنها در کشتار مردم افغانستان به ویژه در سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۱ و هم به دلیل عقاید الحادی آنها است (همان: ۸۲). به علاوه طالبان حاضر به پذیرش سلطه و حاکمیت غیرمسلمانان بر افغانستان نیستند و از این منظر بعید است که با حضور کشور خارجی دیگری در افغانستان موافق باشند.

دومین عامل در این بخش، ناکامی در فرآیند دولت - ملت‌سازی در افغانستان نوین است. پس از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و مداخله نظامی ایالات متحده در افغانستان، یکی از مهم‌ترین تحولاتی که در این کشور روی داد، شکل‌گیری ساختار جدید قدرت بود که طرح آن در اجلاس بُن پایه‌گذاری شد (فرجی راد و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۷)؛ اما ضعف در این فرآیند مانع از شکل‌گیری دولت قوی و ملت واحد در میان افغان‌ها شده است.

<sup>۱</sup> . سیاست‌مدار، رهبر «تنظیم دعوت اسلامی افغانستان» و از نامزد انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۳ افغانستان است. وی همچنین جزو فرماندهان مجاهدین در دوره اشغال افغانستان توسط قوای شوروی بوده است.

پس از حمله نظامی آمریکا به افغانستان، سه طرح سیاسی، نظامی و انسانی به‌طور همزمان در این کشور توسط آمریکا دنبال شد. طرح سیاسی، ایجاد یک دولت مرکزی مشروع به رهبری فردی است که قرائتی همسو با آمریکا داشته باشد؛ طرح نظامی مبتنی بر نظمی است که پایانی بر حضور جنگ‌سالاران در گستره کشور باشد؛ و طرح انسانی، ایجاد یک الگوی آمریکایی از زندگی شهروندی در جامعه‌ای غیرغربی است. پس از پیروزی در مرحله نظامی، تشکیل دولت به منظور آغاز فرآیند دولت - ملت‌سازی در دستور کار آمریکا قرار گرفت. در مرحله دولت‌سازی، چند محور از جمله بازسازی افغانستان، ساماندهی نیروهای مسلح افغان (تمنا، ۱۳۸۷: ۱۶۶)، خلع سلاح جنگ‌سالاران و شبه‌نظامیان (Munoz, 2012: 75-76) در دستور کار ائتلاف غربی به رهبری ایالات متحده قرار داشته است. در باب ملت‌سازی نیز تلاش در جهت گسترش فرهنگ غربی از طریق نهادها و ابزارهای دیپلماسی عمومی به ویژه رادیو (Ibid: 95) و احیا و بازسازی نظام آموزشی افغانستان (ابرار معاصر تهران، (ب)، ۱۳۸۳: ۷۹-۸۰) مورد توجه قدرت‌های دخیل در این امر بوده است.

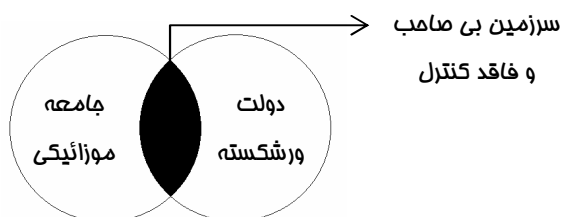
در جمع‌بندی این بحث باید گفت که افغانستان در دوره پساطالبان نتوانسته است روند دولت - ملت‌سازی را به خوبی پشت سر بگذارد. امروزه افغانستان دارای یک دولت ضعیف بوده که فاقد اقتدار مرکزی و کنترل بر تمامیت ارضی و سرزمینی کشور است. همچنین فرآیند ملت‌سازی نیز به دلیل فقدان استحکام ملی و مقدم بودن وفاداری‌های قومی بر وفاداری‌های ملی تکمیل نشده است؛ بنابراین افغانستان به عنوان یک دولت ضعیف - ملت ضعیف شناخته می‌شود. یافته‌ها حکایت از آن دارند که کشورهایی که در آنها دولت شکننده و ضعیف حاکم و جامعه آن از موزاییک قومی در رنج است به سوی منازعات مسلحانه قومی پیش می‌رود (هادیان، ۱۳۸۸: ۱۴۵).

نتیجه منازعات بیش از سه دهه گذشته برای افغانستان گسترش ویرانی، نابودی زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، آوارگی و کشتار غیرنظامیان در نتیجه منازعات درونی و بیرونی و تضعیف دولت مرکزی، ناامنی در مرزها، گسترش تولید و قاچاق مواد مخدر و رشد بنیادگرایی، تروریسم و جنایت‌های سازمان‌یافته در «سرزمین‌های بلا صاحب»<sup>۱</sup> بوده است. البته همسایگان این کشور به‌طور خاص و منطقه پیرامونی آن به‌طور عام از این

<sup>۱</sup>. Ungoverned Territories



وضعیت متأثر بوده و تهدیدهایی مانند تروریسم، قاچاق مواد مخدر، جدایی طلبی و مهاجرت غیرقانونی متوجه آنها است.



شکل شماره ۱- نمودار دولت ورشکسته و جوامع موزاییکی (منبع: هادیان، ۱۳۸۸، ۱۴۸)

آخرین و مهم‌ترین تهدید برخاسته از محیط داخلی افغانستان، تولید و فرآوری مواد مخدر در این کشور است. مواد مخدر به عنوان بلای خانمان‌سوز جهانی، امروزه به عنوان یک تهدید توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد شناخته شده است (UN Security Council: 2009). افغانستان نیز به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده این ماده در جهان، حدود ۷۵٪ درصد تریاک جهان را تولید می‌کند (وزارت مبارزه علیه مواد مخدر جمهوری اسلامی افغانستان، ۲۰۱۳: ۱۵) و از کشورهای عمده تولیدکننده چرس<sup>۱</sup> نیز محسوب می‌شود (همان: ۲۴). درآمد ناشی از قاچاق مواد مخدر در سال ۲۰۱۲ رقمی معادل ۷۱۷ میلیون دلار بوده است (همان: ۱۵). سالانه رقمی بین دویست تا چهارصد میلیون دلار از محل کشت خشخاش به جیب شورشیان و جنگ‌سالاران سرازیر شده (همان: ۵) و امکانات مالی برای اقدامات نظامی و تروریستی آنها را فراهم می‌سازد. چالش‌های مبارزه با مواد مخدر به‌طور معتنا بهی ثبات و توسعه کشورهای منطقه را متأثر ساخته و همکاری میان کشورهای درگیر این چالش را ناگزیر می‌سازد. بر اساس برآوردها، حدود ۴۰٪ تا ۵۰٪ تریاک تولیدشده به‌صورت مورفین یا هروئین فرآوری شده و عمده این محصول به خارج از کشور صادر می‌گردد. یکی از مقصدهای مهم و عمده مخدر افغانستان، فدراسیون روسیه است.

<sup>۱</sup>. حشیش به زبان دری

### ۱. تهدیدهای افغانستان در منطقه اوراسیای مرکزی علیه فدراسیون روسیه

منطقه اوراسیای مرکزی به عنوان منطقه پیرامونی فدراسیون روسیه، عمق راهبردی روسیه است. آسیای مرکزی به عنوان بخشی از این منطقه در مرزهای جنوبی فدراسیون روسیه قرار گرفته و حلقه واسط میان روسیه و افغانستان محسوب می‌شود. افغانستان با ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان مرز مشترک دارد و طبیعتاً بیشترین میزان نفوذ تهدیدهای برخاسته از افغانستان در این کشورها صورت می‌گیرد و می‌تواند امنیت فدراسیون روسیه را تحت‌الشعاع خود قرار دهد (ابرار معاصر تهران (الف)، ۱۳۸۳: ۱۳۴). تهدیدهایی که علیه منافع روسیه در منطقه اوراسیای مرکزی وجود دارد عبارت هستند از تروریسم و افراط‌گرایی اسلامی، قاچاق مواد مخدر از طریق آسیای مرکزی به روسیه و غرب و نیز خطر سرایت بحران‌های منطقه‌ای و تبعات آن به قلمرو فدراسیون روسیه.

تروریسم، بنیادگرایی و افراطی‌گری اسلامی در آسیای مرکزی درهم‌تنیده‌اند و تفکیک آنها بسیار دشوار است. اولین نشانه‌های مشهود از فعالیت گروه‌های اسلام‌گرا در آسیای مرکزی در دهه ۷۰ میلادی مشاهده گردید. در این دوره ورود مخفیانه برخی از گروه‌های تبلیغی سلفی از کشورهای چون اردن، عراق و افغانستان، زمینه نفوذ و حضور افراط‌گرایی اسلامی را در منطقه فراهم نمود (شکاری، ۱۳۸۵: ۹). این روند در زمان پروسترویکای گورباچف بازتولید شد، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شدت یافت و در نتیجه نقش سیاسی اسلام آشکار گردید (کرمی و عزیز، ۱۳۹۲: ۱۴۱). با سقوط کابل به‌وسیله طالبان در سپتامبر ۱۹۹۶، اسامه بن‌لادن و سازمان تروریستی القاعده مهمان رهبری طالبان شد و بدین ترتیب، افغانستان به کوشش القاعده و طالبان به یک مرکز تولید و صدور افراط‌گرایی اسلامی و تروریسم بین‌المللی مبدل گردید و نگرانی روسیه و کشورهای آسیای مرکزی را از تأثیر این پیروزی بر جنبش‌های اسلام‌گرا و امنیت منطقه برانگیخت. روسیه نگران اهداف طالبان برای گسترش برداشت تندرو و تاریکاندیش از اسلام به کشورهای آسیای مرکزی بود (هانتر و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۷۳). از این‌رو، پوتین بارها بر خطر عمده برای امنیت روسیه از جانب جنوب و از منطقه آسیای مرکزی و قفقاز تأکید نموده است (Mankoff, 2011: 246).

با تأسیس جنبش اسلامی ازبکستان<sup>۱</sup>، این جریان تلاش‌هایی را جهت سرنگون ساختن حکومت در این کشور انجام داد. این تلاش‌ها در تابستان ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ از طریق مناطق کوهستانی قرقیزستان برای نفوذ به ازبکستان صورت گرفت. همچنین بمب‌گذاری‌های انجام شده در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ در شهرهای «بیشکک<sup>۲</sup>» و «اُش<sup>۳</sup>» در قرقیزستان، توسط این گروه سازمان‌دهی شده بود. انفجارهای بهار و تابستان ۲۰۰۴ در ازبکستان، بمب‌گذاری در قزاقستان در سال ۲۰۱۱، بمب‌گذاری در خجند<sup>۴</sup> تاجیکستان در سال ۲۰۱۱ (Zenn, 2013: 18)، انفجار انتحاری در میمنه در استان فاریاب علیه سربازان ناتو در سال ۲۰۱۲ (Ibid:73) از جمله اقدامات تروریستی صورت گرفته در کشورهای آسیای مرکزی بوده است. علاوه بر موارد بمب‌گذاری توسط افراطیون مسلمان در آسیای مرکزی، می‌توان به گروگان‌گیری تعدادی از کارکنان ژاپنی در قرقیزستان در ۱۹۹۹ (کولایی، ۱۳۸۹: ۳۴۵) و گروگان‌گیری اتباع ایالات متحده در قرقیزستان توسط جنبش اسلامی ازبکستان که منجر به قرار گرفتن نام این حزب در لیست گروه‌های تروریستی شد، اشاره کرد.

دومین عامل تهدیدگر منافع و امنیت فدراسیون روسیه در حوزه اوراسیای مرکزی، قاچاق مواد مخدر از طریق این منطقه به روسیه و نیز غرب است. بر اساس آمارها، هم‌اکنون نیمی از مواد مخدر تولیدشده در افغانستان از طریق مرزهای روسیه به نقاط دیگر انتقال می‌یابد و مسکو معتقد است که بهترین راه برای متوقف کردن این پدیده مقابله با آن در محل تولید است (تقوایی: ۱۳۸۹).

حجم تجارت مواد مخدر افغانستان از طریق آسیای مرکزی، مقامات روسی را به تکاپو واداشته است. در حال حاضر، افغانستان تأمین‌کننده ۹۰٪ مواد مخدر در دنیا است و ۳۰٪ حمل‌ونقل آن سالانه از آسیای مرکزی صورت می‌پذیرد. در این بین هر ساله روسیه با خطر رو به رشد استفاده از مواد مخدر در بین شهروندان خود مواجه است. از این‌رو، افغانستان به عنوان مبدأ صادرات مواد مخدر مورد توجه روسیه قرار گرفته و آنان را به همکاری بیشتر در مبارزه با مواد مخدر با نیروهای ائتلاف در افغانستان تشویق کرده است. مشارکت روس‌ها در

---

<sup>1</sup>. Islamic Movement of Uzbekistan (IMU)

<sup>2</sup>. Bishkek

<sup>3</sup>. Osh

<sup>4</sup>. Khujand

عملیات مشترک ضد مواد مخدر با نظامیان آمریکایی در سال ۲۰۱۰ (رمضانی بونش: ۱۳۸۹) و همکاری‌های متعاقب آن، رویکرد جدید روسیه در قبال این تهدید بوده است. آخرین مسأله خطر سرایت بحران‌های منطقه‌ای و تبعات آن به قلمرو فدراسیون روسیه است. استقلال جمهوری‌های چهارده‌گانه، سرآغاز دوره‌ای از بحران‌های سیاسی، مذهبی و قومی در بیشتر این سرزمین‌ها بود. از جمله این بحران‌ها که متأثر از افغانستان بوده است، می‌توان به بحران‌های آسیای مرکزی از جمله جنگ داخلی تاجیکستان و مناقشات میان تاجیک‌ها و ازبک‌ها اشاره کرد. مناقشات تاجیکستان هرچند تهدیدهای مستقیمی را متوجه روسیه نمی‌کرد، اما از طریق رشد مهاجرت غیرقانونی به این کشور و نیز طرق دیگر، منافع آن را تحت‌الشعاع قرار می‌داد. همچنین وابستگی گسترده جمهوری‌های جدید به روسیه در ابعاد مختلف یکی دیگر از عوامل تسهیل‌کننده تسری بحران به درون مرزهای روسیه بوده است (ابرار معاصر تهران (الف)، ۱۳۸۳: ۱۷۷). بی‌ثباتی منطقه از دو جهت امنیت ملی روسیه را تهدید می‌کند؛ نخست از جهت به خطر افتادن منافع روسیه درون کشورهای درگیر بحران؛ و دوم سرایت بحران و تبعات آن به درون مرزهای روسیه. به عنوان نمونه، بر اساس آمارهای مرکز سیاست مهاجرت، روسیه یکی از بزرگ‌ترین پذیرندگان مهاجر در دنیا است که اغلب مهاجران از کشورهای عضو اتحاد جماهیر شوروی به روسیه مهاجرت می‌کنند و از این میان بیشترین سهم مربوط به کشورهای آسیای مرکزی است (MPC Team, 2013: 1). در این میان سهم تاجیکستان و قرقیزستان در آمار رسمی مهاجرت روسیه ۸۷ و ۴۴ هزار نفر در سال ۲۰۱۰ بوده است (Ibid: 2). نکته قابل توجه، وجود حجم قابل توجهی از کارگران مهاجری است که به‌طور غیرقانونی به روسیه مهاجرت و در آنجا فعالیت می‌نمایند. فارغ از غیرقانونی بودن مهاجرت، بخش قابل توجهی از این کارگران، حجم بالای کارگران مهاجر که فاقد تحصیلات یا مهارت کافی بوده و معمولاً با دستمزدهای پایین یا متوسط به کار مشغول هستند، تبعات اجتماعی و فرهنگی بسیاری برای این کشور داشته و دارند. علاوه بر این پیامدها، مشکلات پیش‌گفته که عمدتاً زمینه اقتصادی دارند، فضای مناسبی را برای گسترش شبکه‌های قاچاق انسان فراهم ساخته و بسیاری از این کارگران مهاجر به آسانی در دام شبکه‌های قاچاق انسان گرفتار می‌شوند (کولایی، پیشین: ۱۳۵).

## ۲. تهدیدهای افغانستان درون مرزهای فدراسیون روسیه

در ادامه تهدیدهای عمده علیه امنیت و منافع فدراسیون روسیه از جانب افغانستان درون قلمرو این کشور در دو محور تروریسم و جدایی‌طلبی؛ و قاچاق و استعمال مواد مخدر مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

افراط‌گرایی اسلامی توأم با تروریسم و رفتارهای وحشت‌افکنانه است، یکی از مهم‌ترین معضلات امنیتی روسیه تلقی می‌شود. به این جهت مقامات روسیه به دفعات، طی سال‌های پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بر تقویت و تحکیم قوانین ضد تروریسم در فدراسیون روسیه تأکید و اقدامات قانونی را در این راستا انجام داده‌اند.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تروریسم تا حدود زیادی در روسیه توسعه پیدا کرد. ظهور بنیادگرایی اسلامی و بروز خشونت در قفقاز شمالی و آسیای مرکزی برای سیاست امنیتی روسیه اهمیت دارد. افراط‌گرایی اسلامی و روابط خاص آن با افغانستان، پاکستان و دیگر کشورهای اسلامی سبب بروز تهدید جدی علیه امنیت روسیه بوده است. ظهور عامل اسلام در مبارزات قومی- ملی تهدیدی جدی علیه تمامیت ارضی روسیه است چراکه جنگ‌های محلی و منازعات منطقه‌ای می‌تواند تهدید بسیار مهمی علیه منافع و امنیت روسیه باشد (ابراهیم معاصر تهران (الف)، پیشین: ۳۱۹-۳۱۸).

مسأله جدایی‌طلبی در روسیه نیز یکی از معضلات امنیتی این کشور در دوره پس از فروپاشی به شمار می‌رود. فدراسیون روسیه هرچند پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بخشی از بافت چند قومیتی شوروی را از دست داد، باز هم سرزمینی متشکل از قومیت‌های جداگانه باقی ماند. از این‌رو، اتخاذ ترتیباتی کمابیش مشابه دوران شوروی برای اداره این کشور ضروری می‌نمود. در حقیقت علت اصلی انتخاب ساختار فدرال برای روسیه نیز همین موضوع بود. به هر حال پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، احتمال واگرایی در فدراسیون روسیه موضوع مهم سیاسی کشور بود. آنچه تهدید جدایی‌طلبی را در این منطقه تشدید می‌کند، پیوند خوردن تمایلات ملی‌گرایانه با افراط‌گرایی و تروریسم نشات گرفته از بنیادگرایی در افغانستان و آسیای مرکزی است. ریشه‌های این امر را می‌توان در تهاجم شوروی به افغانستان جستجو نمود. این اتفاق امکان برقراری تماس میان مجاهدین افغان و حامیان بنیادگرای آنان با جوانان مسلمان اتحاد جماهیر شوروی را فراهم ساخت و اسباب

انتقال اسلام افراطی را به محدوده اتحاد جماهیر شوروی از طریق پایگاه‌های نظامی و آموزشی در افغانستان را مهیا نمود.

مهم‌ترین چالش جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی اسلامی در روسیه، مربوط به جمهوری خودمختار چین است. چینی‌ها در دهه‌های اخیر و به ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ضعف سیاسی، ساختاری و امنیتی آن، داعیه استقلال از فدراسیون روسیه را داشته‌اند (کولایی و حسینی، ۱۳۸۹: ۱۱۲). این واقعیت غیرقابل انکار است که پیش از پیدایش طالبان به‌مثابه نیروی سیاسی مسلط در افغانستان، ارتباط نزدیکی میان طالبان و نیروهای چین وجود داشت. بر اساس گزارش‌های موجود از آغاز ژانویه ۱۹۹۵، چندین راهپیمایی در هرات برپا شد که همه مسلمانان واقعی را به پیوستن به «جهاد در جبهه‌های چین و تاجیک» فرامی‌خواند (هانتر و دیگران، پیشین: ۶۰۹-۶۰۸).

روابط رسمی طالبان و چین پس از آتش‌بس سال ۱۹۹۶ در چین و تسخیر کابل به‌دست طالبان گسترش یافت و پس از آغاز جنگ دوم چین و دیدار زلیم‌خان یاندریایف<sup>۱</sup> - نماینده سیاسی چین - از قندهار، طالبان جمهوری چین را به رسمیت شناخت (همان: ۶۰۹).

جنگ دوم چین مبارزان چینی را برای مدتی در لاک دفاعی فرو برد، اما پس از وقفه‌ای کوتاه و در سال ۲۰۰۲ مجدداً اقدامات خرابکارانه آنان آغاز شد. در این سال ماجرای گروگان‌گیری در سالن نمایشی در مسکو (Paton Walsh: 2002) به وقوع پیوست؛ همچنین دو بمب‌گذاری در قطار در سال ۲۰۰۳ (China Daily, 2003)، انفجار انتحاری در دو هواپیمای (BBC News(A), 2004)، انفجار در ایستگاه مترو در مسکو (BBC News(B), 2004) و وحشتناک‌ترین حادثه سال ۲۰۰۴، ماجرای گروگان‌گیری در یک موسسه آموزشی در اوستیای شمالی بود (International New York Times, 2004) در سال ۲۰۰۷ نیز انفجار در قطار مسکو - سنت پترزبورگ اتفاق افتاد (Chivers, 2007). فعالیت‌های انتحاری و پارتیزانی مبارزان چینی از اواخر سال ۲۰۰۹ شدت یافت (کولایی و حسینی، ۱۳۸۹: ۱۲۳). تشدید این فعالیت‌ها که آخرین نمونه آن به روزهای آخر سال ۲۰۱۳ میلادی و در آستانه بازی‌های زمستانی المپیک سوچی بازمی‌گردد (Isachenkov, 2013)، امنیت فردی و اجتماعی در این کشور را تهدید نموده و به یکی از چالش‌های امنیتی این کشور تبدیل شده است.

<sup>۱</sup>. Zelimkhan Abdumuslimovich Yandarbiyev

افراط‌گرایی، تروریسم و مواد مخدر در دهه گذشته هر یک به عنوان بخشی از جورچین ناامنی در افغانستان و منطقه پیرامون آن به شمار رفته‌اند. مواد مخدر، اما سنگ زیرین آسیاب تروریسم و افراط‌گری بوده و با سرازیر کردن سالیانه چند صد میلیون دلار از محل تولید، فرآوری، توزیع و قاچاق این محصولات، اقتصاد جریان‌های افراطی فعال در افغانستان را تأمین نموده است (وزارت مبارزه علیه مواد مخدر جمهوری اسلامی افغانستان، ۲۰۱۳: ۵). همانطور که قبلاً گفته شد، یکی از مهم‌ترین و جدی‌ترین تهدیدهایی که از جانب افغانستان متوجه فدراسیون روسیه است، مسئله قاچاق مواد مخدر به این کشور و تهدیدهای عمیق و دامنه‌داری است که بر روی نسل و نیروی انسانی و سلامت این کشور می‌گذارد. علاوه بر این آسیب، خاک این کشور به عنوان یکی از مسیرهای قاچاق مواد مخدر به کشورهای اروپایی محسوب می‌شود (Unnamed(B), 2013, 326).

ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که بیش از ۹۰٪ مواد مخدر قاچاق شده به روسیه از طریق افغانستان صورت می‌گیرد (8: Unnamed(A), 2008). عمده قاچاق مواد مخدر به روسیه از مسیر شمالی (راه ابریشم) و با عبور از تاجیکستان، قرقیزستان یا ازبکستان (از طریق دره فرغانه) به قزاقستان و از آنجا به روسیه قاچاق می‌شود (4: Golunov, 2006)؛ بنابراین قزاقستان مسیر اصلی قاچاق مواد مخدر به روسیه محسوب می‌شود. این کشور مرز مشترکی حدود هفت هزار کیلومتر با روسیه دارد که قاچاق مواد مخدر را تسهیل و مبارزه با آن را دشوار می‌کند (334: Uyama, 2007). نوع قاچاق به روسیه غالباً هروئین است. اکثر معتادان روسی به هروئین اعتیاد دارند و این کشور را به بزرگ‌ترین بازار تجارت آن تبدیل کرده‌اند (3-4: Golunov, Ibid). تعداد استفاده‌کنندگان مواد مخدر در فدراسیون روسیه بین ۲ تا ۲/۵ میلیون نفر برآورد می‌شود که ۵ تا ۶ درصد از آن را جمعیت ۱۵ تا ۳۰ سال تشکیل می‌دهد (87: International Narcotics Control Board, 2014).

معضل دیگری که از جانب مواد مخدر گریبان‌گیر روسیه شده است، مسائل حوزه سلامت است. روسیه به لحاظ شمار افرادی که از طریق تزریق به استعمال مواد مخدر مبادرت می‌کنند در کنار چین، پاکستان و ایالات متحده آمریکا، یکی از چهار کشور است که ۶۲٪ از کل معتادان مبتلا به بیماری ایدز در جهان را در خود جای داده است (7: Unnamed(C), 2014). از این رو است که در سند راهبرد امنیت ملی روسیه، مسائل بهداشتی و اپیدمی ایدز در عداد تهدیدهای امنیتی است.

### بهره دوم: سیاست امنیتی فدراسیون روسیه در قبال افغانستان

از سقوط رژیم طالبان در سال ۲۰۰۱ تاکنون، سیاست روسیه در قبال افغانستان مراحل متعددی را تجربه کرده است؛ دوره تهاجم در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۲ که روسیه اقدام به حضور نظامی قوی و نفوذ در افغانستان نمود؛ دوره رکود در سال ۲۰۰۳-۲۰۰۶، هنگامی که روسیه متوجه شد که نمی‌تواند به رقابت مؤثر با تأثیرات عمدتاً غربی در این کشور برخیزد؛ و دوره پس از سال ۲۰۰۷ که روسیه سیاست فعالی را در قبال افغانستان اتخاذ کرده است و طی این دوره زمانی، مسکو با فرصت‌طلبی راهبردی از شرایط وخیم امنیتی افغانستان برای بهبود روابط با دولت کابل و افزایش اهمیت خود نسبت به نیروهای ائتلاف غربی استفاده کرده است. سیاست امنیتی فدراسیون روسیه در قبال افغانستان شامل اقدامات مختلفی است که در سه سطح سیاست‌های معطوف به امنیت فدراسیون روسیه درون مرزهای این کشور، خط‌مشی امنیتی فدراسیون روسیه در منطقه خارج نزدیک و در نهایت اقدامات امنیتی این کشور در خاک افغانستان برای ممانعت از تهدیدهای پیش‌گفته مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

#### ۱. سیاست امنیتی فدراسیون روسیه در قبال افغانستان در قلمرو افغان

فدراسیون روسیه در قبال تهدیدهای برخاسته از محیط داخلی افغانستان در دوره جدید اقداماتی را صورت داده است. این خط‌مشی‌ها به‌طور عمده شامل مبارزه مشترک روسیه و غرب علیه تروریسم در افغانستان، مبارزه با تولید، فرآوری و قاچاق مواد مخدر، تلاش برای ایجاد پایه‌های نفوذ، کمک‌های بشردوستانه، سرمایه‌گذاری و حضور اقتصادی و اعطای کمک‌های نظامی، فنی و آموزشی به افغانستان است.

نگرانی مشترک ناتو و روسیه در افغانستان نسبت به افزایش تولید مواد مخدر و همچنین تداوم فعالیت گروه‌های تروریستی در این کشور و مناطق هم‌جوار، از جمله آسیای مرکزی به‌واسطه گسترش ابعاد، دامنه و عمق تهدیدهای، تشدید شده است. روسیه از طرفی از افزایش دامنه فعالیت تروریست‌ها در پیرامون خود نگران است و از سوی دیگر از افزایش مرگ‌ومیر ناشی از مصرف مواد مخدر در این کشور رنج می‌برد. این مسائل موجب شده تا روابط دو بازیگر هرچند در سال‌های گذشته فرازوفرودهایی را تجربه کرده، اما روسیه همچنان حضور ناتو در افغانستان آشوب‌زده را فرصت مغتنمی برای امنیت خود و متحدان آن در آسیای مرکزی تلقی می‌کند. به‌بیان دیگر می‌توان گفت که هرچند روسیه با ناتو در



سایر مسائل یا مناطق تنش‌های شدید داشته و دارد، اما طی این سال‌ها این دو بازیگر در افغانستان روابط نسبتاً همکاری‌جویانه داشته‌اند.

حدوداً دو هفته پس از حمله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، خط‌مشی عمده روسیه که در آن راه‌های کمک به ایالات‌متحده آمریکا و متحدان آن در افغانستان مشخص شده بود، اعلام گردید. یکی از موارد این فهرست استفاده آمریکا از پایگاه‌های هوایی منطقه آسیای مرکزی بود که توجهات را به خود جلب نمود؛ چراکه روسیه اجازه داده بود تا نیروهای ایالات‌متحده به منطقه‌ای که فدراسیون روسیه آن را به روشنی حوزه نفوذ خود می‌دانست، وارد شوند (Smith, 2008: 6). همچنین مقرر شد تا روس‌ها در جریان حمله به افغانستان، فضای هوایی خود را به روی نیروهای ائتلاف باز کنند، اطلاعات امنیتی خود را به‌منظور پشتیبانی از جنگ با این نیروها به اشتراک گذاشته (Adomeit, 2007: 10) و کمک‌های نظامی به نیروهای ائتلاف شمال را افزایش دهند. ناتو و روسیه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مجموعه اقدامات و تدابیر مشترکی را با هدف مبارزه علیه تهدیدهای تروریستی، نظیر تبادل منظم دیدگاه‌ها میان کارشناسان ارشد تروریسم صورت دادند. به‌علاوه در همین زمینه دو نشست مهم برگزار شد. نشست نخست در فوریه ۲۰۰۲ در رم و دومین نشست در دسامبر این سال در مسکو با حضور مقامات و کارشناسان ارشد دو طرف با نام «نقش نیروی نظامی در مبارزه علیه تروریسم»<sup>۱</sup> برگزار گردید (NATO Site, 2004).

محور دیگر دستورکار روسیه در قبال افغانستان، تلاش برای ایجاد و تقویت پایه‌های نفوذ خود در این کشور است. پس از سرنگونی طالبان در سال ۲۰۰۱، روسیه به عنوان قدرت بزرگ منطقه‌ای که سابقه روابط و نفوذ طولانی در افغانستان داشت، تلاش فراوانی برای کسب سهم افزون‌تر در آینده سیاسی افغانستان به‌کار بست و تماس‌های سیاسی فشرده‌ای را با هدف ایجاد پایه‌های نفوذ روسیه در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی در افغانستان سازمان‌دهی نمود. در این راستا بلافاصله پس از آزادی کابل در ۲۶ نوامبر ۲۰۰۱، یک گروه از دیپلمات‌های روس برای انجام رایزنی‌های سیاسی وارد افغانستان شدند (Menkiszak, 2011: 21) و رویکردی تهاجمی توسط روسیه برای دستیابی به حداکثر تأثیرگذاری بر دولت افغانستان و نیز برای به نتیجه رساندن توافق‌های نظامی و

---

<sup>۱</sup>. The Role of the Military in Combating Terrorism

اقتصادی متعددی که اساس نفوذ روسیه در افغانستان را شکل می‌دهد مدنظر قرار گرفت. در سال ۲۰۰۳، آشکارا سرعت تلاش روس‌ها در افغانستان کاهش یافت و مسکو دریافت که جایگاه آن در افغانستان به حمایت ایالات‌متحده و متحدان آن وابسته است؛ بنابراین روسیه تلاش کرد تا از آنچه داشت بهترین استفاده را به عمل آورد. روابط روس‌ها با افغانستان در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ کم‌تحرک بود و به حوزه‌های خاص از جمله فروش تسلیحات به بخش نظامی افغانستان محدود شد. با این حال از سال ۲۰۰۷ بدین سو، سقوط شاخص‌های امنیتی، گسترش فعالیت و حوزه نفوذ طالبان به ویژه در جنوب این کشور و تنش‌های رو به افزایش بین رئیس‌جمهور کرزی و شرکای غربی در نیروهای ائتلافی (به ویژه ایالات‌متحده)، کرزی را برانگیخت تا به دنبال جلب حمایت سیاسی خارجی با هدف متوازن کردن نفوذ ایالات‌متحده در افغانستان باشد. در این راستا، روسیه در منظر رهبران افغان برجسته‌تر شد و روابط دو کشور به سطح بالاتری رسید. روسیه آشکارا حمایت عمومی خود را از حامد کرزی با تقاضای افزایش استقلال واقعی (عملاً از غرب) برای دولت افغان و انتقاد آشکار از نتایج ضعیف ائتلاف در مبارزه علیه طالبان و تولید و قاچاق غیرقانونی مواد مخدر، اعلام نمود (Churkin, 2010). علاوه بر این، مسکو گفتگو با سیاستمداران پشتون را آغاز و حمایت خود را از سیاست آشتی ملی حامد کرزی، مشروط به تحقق شرایطی از جمله کناره‌گیری «طالبان میانه‌رو» از مبارزات مسلحانه؛ قطع روابط خود با القاعده؛ به رسمیت شناختن قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان؛ و عدم مذاکره با رهبران افراط‌گرای طالبان اعلام کرد (Menkiszak, Ibid, 23).

اقدام مهم دیگر دولتمردان فدراسیون روسیه، گسترش فعالیت‌های اقتصادی خود در افغانستان است. در حالی که امریکا و متحدان آن در اندیشه خروج تدریجی از افغانستان هستند، روسیه فعالیت‌هایی را برای افزایش حضور خود در افغانستان آغاز کرده است. روسیه می‌خواهد در افغانستان سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در زمینه‌های زیرساخت‌ها، معادن و منابع انرژی داشته باشد که این موارد مورد موافقت امریکا نیز هست (تقوایی، ۱۳۸۹).

روسیه در راستای مشارکت فعال در بازسازی اقتصادی افغانستان ابراز تمایل نمود و اعلام کرد که اولویت آن بازسازی طرح‌هایی است که در دوران رژیم کمونیستی در افغانستان به وجود آمده بودند (MFA of the Russian Federation, 2010). روسیه به ویژه به سرمایه‌گذاری در بخش انرژی، بخش‌های حمل‌ونقل و ساخت‌وساز در مناطق شمالی و

مرکزی افغانستان علاقه نشان داده است. روسیه یکی از کشورهایی است که در مورد معادن افغانستان و ارزش و اهمیت آن اطلاعات کافی و دست اول را دارد؛ بنابراین در اندیشه سرمایه‌گذاری گسترده در بخش زیرساخت‌ها و معادن افغانستان و نیز افزایش صادرات کالاهای اقتصادی و نظامی به این کشور است. روسیه به طرح‌های دیگری به ویژه استخراج نفت و گاز طبیعی از مخازن شیرغان<sup>۱</sup>؛ استخراج طلا از مخازن شامتی<sup>۲</sup>؛ بازسازی کارخانه نیتروژن در مزار شریف، کارخانه سیمان در پلخمری<sup>۳</sup> و سیستم برق کابل؛ نیز امور مربوط به ساخت‌وساز و تأمین کارشناسان فنی در کابل، مزار شریف و ولایت خوست نیز علاقه‌مند است (Menkiszak, Ibid: 32). روس‌ها بر این باور هستند که در سایه گسترش حضور اقتصادی، سیاسی - دیپلماتیک و غیرنظامی از یک سو منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت راهبردی خود را در رقابت با رقبایی نظیر چین، ایران، هند، آمریکا و پاکستان در این کشور برآورده می‌سازند و از سوی دیگر خود را درگیر رویارویی نظامی در این کشور با طالبان و صرف هزینه‌های هنگفت در کنار ناتو نمی‌کنند (رمضانی بونش، ۱۳۸۹).

یکی از بسترهای مهم همکاری افغانستان و روسیه، همکاری‌های نظامی و امنیتی دو کشور است که سابقه آن - به‌طور عمده - به دوره اشغال افغانستان توسط قوای نظامی اتحاد جماهیر شوروی بازمی‌گردد. پس از استقرار حکومت جدید در افغانستان نیز کمک‌های روسیه در این منطقه در قالب تأمین تجهیزات و مواد برای کاربردهای نظامی؛ تأمین سلاح و تجهیزات نظامی محدود (که بودجه آن عمدتاً توسط ایالات متحده تأمین می‌شد)؛ و آموزش افسران و کارشناسان نهادهای دفاعی و اجرایی و سایر خدمات افغانستان (بیشتر آژانس مبارزه با مواد مخدر) صورت می‌گرفت. بعضی از این کمک‌ها بدون هزینه بود و هزینه برخی از این خدمات توسط منابع خارجی تأمین می‌شد (Menkiszak, Ibid: 38).

نفوذ روسیه در افغانستان همچنین با ارسال کمک‌های بشردوستانه در مواقع لزوم به این کشور تا حد زیادی بهبود یافته است. در اوایل نوامبر ۲۰۰۱، یک محموله همراه با امدادگران اورژانس از سوی وزارت موقعیت‌های اضطراری روسیه<sup>۴</sup> وارد کابل آزادشده از چنگال طالبان شد. علاوه بر این در فوریه ۲۰۰۹، روسیه ۱۸۰۰۰ تن آرد گندم را به ارزش

---

<sup>1</sup>. Sheberghan

<sup>2</sup>. Sheberghan

<sup>3</sup>. Pul-i-Kumri

<sup>4</sup>. Russian Ministry for Emergency Situation (MChS)

بازده میلیون دلار به این کشور ارسال کرد. همچنین در اوت ۲۰۰۹، یک طرح مشترک روسی - آلمانی، دو بالگرد امداد پزشکی MI-8 و MI-7 را به ارزش چهارده میلیون دلار آمریکا در اختیار افغان‌ها قرار داد. در سال ۲۰۰۹، پنجاه خودرو و دو ماشین آتش‌نشانی به‌طور رایگان در اختیار آنها قرار گرفت. با توجه به اطلاعات افغان‌ها، کمک رسمی روسیه در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۲ بالغ بر ۱۴۷ میلیون دلار بوده است (Menkiszak, Ibid: 29-30).

## ۲. سیاست امنیتی فدراسیون روسیه در قبال افغانستان در اوراسیای مرکزی

اوراسیای مرکزی به عنوان منطقه پیرامونی بلافصل روسیه و عمق راهبردی این کشور، تهدیدهای بالقوه و بالفعلی را از جانب افغانستان احساس می‌کند. روس‌ها که در این منطقه منافع درازمدتی دارند از این مسئله نگران هستند که تهدیدهای موجود در افغانستان بیش‌ازپیش به درون قلمرو فدراسیون روسیه کشانده شود. از این‌رو است که روسیه انجام اقداماتی را در جهت مبارزه با تهدیدهای افغانستان در اوراسیای مرکزی که می‌تواند امنیت و منافع روسیه را تحت‌الشعاع قرار دهد از جمله تقویت روابط و همکاری‌ها با آمریکا و ناتو در موضوع افغانستان، تسهیل ترانزیت نظامی و غیرنظامی از طریق روسیه به افغانستان، مبارزه با قاچاق مواد مخدر به فدراسیون روسیه و تقویت ترتیبات امنیتی چندجانبه منطقه‌ای، مدنظر قرار داده است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، روسیه در دوره نخست ریاست جمهوری پوتین، رویکرد تعامل نسبی با ناتو و ایالات‌متحده آمریکا را در دستور کار داشت در این راستا از قطعنامه دسامبر ۲۰۰۱ شورای امنیت جهت راه‌اندازی نیروی بین‌المللی کمک به امنیت در افغانستان (آیساف<sup>۱</sup>) حمایت کرد (Ibid: 43).

در اوایل سال ۲۰۰۲ روسیه نشانه‌هایی از نگرانی خود را از حضور نیروهای نظامی غربی در افغانستان و آسیای مرکزی که ممکن بود گسترش پیدا کند، نشان داد. با این‌حال روسیه مصمم بود که موانعی را بر سر راه فعالیت‌های ائتلاف ضدتروریسم ایجاد نکند. پس از بالا گرفتن اختلافات میان ایالات‌متحده و پاکستان، عدم همکاری مناسب پاکستان و حملات گسترده نیروهای طالبان به خطوط تدارکاتی ناتو و ناامن شدن این مسیر مهم برای انتقال تجهیزات به افغانستان، طرف غربی در اندیشه یاری گرفتن از روس‌ها برآمد. فدراسیون روسیه نیز با هدف کمک به ائتلاف، کسب امتیازهایی از غرب در افغانستان و سایر حوزه‌های

1. Russian Ministry for Emergency Situation (MChS)

همکاری و البته با چشم‌داشت به منافع اقتصادی ناشی از ترانزیت، همکاری‌های خود را در قالب شبکه توزیع شمالی<sup>۱</sup> با آمریکا و ناتو افزایش داد. در این راستا تاکنون موافقت‌نامه‌هایی با شرکای پیشرو اروپایی برای ترانزیت نظامی به افغانستان به امضا رسیده است. بر اساس آمارها در اواسط سال ۲۰۱۰ حدود سی درصد محموله‌های ائتلاف از طریق شبکه توزیع شمالی که شصت و پنج درصد آن در قلمرو روسیه قرار دارد، انجام شده است؛ در ماه می ۲۰۱۱، سهم شبکه تقریباً شصت درصد بود و ایالات متحده اعلام کرده است که آن را تا هفتاد و پنج درصد افزایش خواهد داد.

مسئله مهم دیگر، تولید و قاچاق مواد مخدر (عمدتاً هروئین) از افغانستان به روسیه و نگرش آیساف نسبت به این مسئله به تدریج تبدیل به یک عامل مهم سیاست روسیه در قبال مأموریت این ائتلاف شده است. طبق اطلاعات نقل شده از سوی ویکتور ایوانف<sup>۲</sup> - رئیس سرویس کنترل مواد مخدر فدرال<sup>۳</sup> - تولید تریاک در افغانستان در نه سال گذشته بیش از چهل برابر افزایش یافته است. به گفته ایوانف، مواد مخدر هر ساله بیش از سی هزار نفر از جمعیت روسیه را به کام مرگ می‌کشد. به این دلیل، روسیه اغلب و به شدت آیساف را به خاطر فعالیت ناکافی و حتی عدم اقدام علیه تولید و صادرات غیرقانونی مواد مخدر در افغانستان به باد انتقاد گرفته است. نشانه‌هایی وجود داشته که نیروهای غربی در افغانستان عامدانه از این تهدید چشم‌پوشی می‌کنند چون آنها نمی‌خواهند که احساسات ضد غربی را در جامعه افغانستان تحریک کنند؛ چراکه اقتصاد بخش قابل توجهی از مردم افغانستان مبتنی بر کشت خشخاش است (Ibid: 46-52).

راه کار دیگر روسیه در قبال تهدیدهای افغانستان در منطقه اوراسیای مرکزی، تقویت ترتیبات امنیتی چندجانبه از جمله سازمان همکاری شانگهای و سازمان پیمان امنیت جمعی بوده است. تهدید بنیادگرایی و تروریسم که با نگرانی‌های رو به افزایش صدور افراط‌گرایی اسلامی از ناحیه افغانستان تحت حکومت طالبان، وخامت اوضاع امنیتی آن و ظهور مجدد تروریسم در این منطقه مرتبط بود، انگیزه‌ای قوی برای همکاری نزدیک‌تر میان کشورهای آسیای مرکزی، چین و روسیه در حوزه امنیتی را به وجود آورد. روسیه همچنین تلاش

---

<sup>۱</sup>. Russian Ministry for Emergency Situation

<sup>۲</sup>. Viktor Ivanov

<sup>۳</sup>. The Federal Drug Control Service (FDCS)

می‌کند تا همکاری‌ها در حوزه مبارزه با مواد مخدر را به عنوان وظیفه‌ای برای ترتیبات امنیتی منطقه‌ای از جمله سازمان همکاری شانگهای و پیمان امنیت جمعی تعریف کند. در این راستا از سال ۲۰۰۳، عملیات پیشگیرانه سالانه سازمان امنیت جمعی تحت عنوان «کانال»<sup>۱</sup> (که به عنوان یک ابتکار عمل روسیه آغاز شد) برگزار شده است و روسیه، نمایندگان افغانستان و کشورهای ناتو را به آن دعوت کرده است. همچنین در دسامبر ۲۰۱۰، یک موافقت‌نامه درباره همکاری چندجانبه در مبارزه با تجارت مواد مخدر توسط گروه چهارگانه روسیه، تاجیکستان، افغانستان و پاکستان به امضا رسید. در ماه مه ۲۰۱۱ به ابتکار مدودف رئیس‌جمهور روسیه، پیش‌نویس راهبرد و برنامه اقدام سازمان همکاری شانگهای در مبارزه با مواد مخدر<sup>۲</sup> نیز آماده شد. اقدام دیگر روس‌ها تلاش جهت ادغام افغانستان در ابتکارات همکاری چندجانبه است. در ژوئن ۲۰۰۴ برای نخستین بار حامد کرزی به ابتکار روسیه در اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای در تاشکند شرکت کرد. به نظر می‌رسد این اقدام در واقع با هدف مشارکت مقامات افغان در ترتیبات بین‌المللی غیرغربی انجام شده بود. دلیل دیگر نیز احتمالاً تلاش به منظور ایجاد نفوذ هرچه قوی‌تر چین در افغانستان (به ویژه نفوذ اقتصادی) که روسیه با ناخرسندی به آن می‌نگریست، بود (Ibid: 47-49).

### سیاست امنیتی فدراسیون روسیه در قبال افغانستان در مرزهای خود

روس‌ها در آخرین سند امنیت ملی خود (۲۰۰۹)، دامنه تهدیدهای امنیتی علیه خود را علاوه بر حوزه‌های نظامی و اقتصادی به عرصه‌هایی از جمله فرهنگ و سلامت نیز تسری داده‌اند. از این‌رو، شاهد آن هستیم که فدراسیون روسیه در سطح داخلی نیز سیاست‌هایی را در جهت مهار امواج تهدیدهای خارجی علیه خود اتخاذ کرده‌اند. این اقدامات دامنه گسترده‌ای دارند که در ادامه اجمالاً به اهم آن‌ها اشاره می‌شود.

در حوزه نظامی از آنجا که پوتین به دنبال ارتشی منظم‌تر، تخصصی‌تر، مجهزتر و کارآمدتر است که بتواند علیه تروریسم، جدایی‌طلبی و دیگر تهدیدهای نامتقارن مقابله کند، دست به انجام اصلاحات نظامی زده است. این اصلاحات از مارس ۲۰۰۱ با تصمیم او مبنی بر کاهش ۲۵ درصدی حجم نیروهای ارتش، افزایش بودجه و بازبینی سیستم تسلیحاتی، شکل

<sup>۱</sup>. Channel

<sup>۲</sup>. SCO Drug Strategy and Plan of Action

تازه‌ای به خود گرفت (Hedenskog and others, 2005: 207). روند اصلاحات نظامی در روسیه با توجه به جایگاه ارتش و نیروی نظامی در این کشور با روی کار آمدن پوتین جدی‌تر شد و در سه سطح ساختار، تجهیزات و راهبرد پیگیری شد. حرفه‌ای و کوچک شدن ارتش در بعد ساختار بهبود کیفیت جنگ‌افزارها به‌کارگیری جنگ‌افزارهای جدید، ایجاد سپر دفاع موشکی و هوایی و تقویت ناوگان دریایی روسیه در حوزه تجهیزات و اعطای نقش مستقل به نیروی هوایی به عنوان ابزار سیاست، داشتن نیروی پیاده سبک و منعطف و با قابلیت حمل‌ونقل هوایی راهبردی در بعد راهبرد، عمده‌ترین اصلاحات مدنظر پوتین بر اساس دکترین نظامی فدراسیون روسیه است (کرمی(الف)، ۱۳۹۱: ۷۵).

در باب مبارزه با تروریسم و مواد مخدر نیز روس‌ها علاوه بر اقدامات عملی به تقویت زیرساخت‌های قانونی خود پرداخته‌اند. روسیه در سال ۱۹۹۸ اولین قانون مبارزه با تروریسم را تصویب کرده بود و به اقتضای شرایط در آن بازنگری کرده است (ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۱: ۲۸۷). در راستای تقویت تدابیر حکومتی جهت مبارزه با تروریسم روند تصویب قوانین مرتبط با موضوع تروریسم، پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شدت بیشتری یافته و در سال‌های ۲۰۰۱، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۶ فرمان‌هایی از سوی رئیس‌جمهور در مورد مبارزه با تروریسم صادر شده است (Beckman, 2007: 128-129).

در خصوص مبارزه با مواد مخدر در سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۰۹، سایر اسناد اقتصادی، اجتماعی و امنیتی فدرال و موضع‌گیری مقامات مسئول، قاچاق مواد مخدر و تبعات آن به عنوان تهدید امنیت ملی این کشور قلمداد شده است. در سند دکترین امنیت ملی این کشور، مسئله تأمین امنیت مرزی و ارتقاء فناوری‌های مرزبانی در مرزهای روسیه مورد تأکید قرار گرفته است. به‌علاوه روسیه درصدد آن است تا به منظور ارتقاء سطح مبارزه با قاچاق مواد مخدر به درون مرزهای این کشور، ساختارهای مدیریت مرزی و سامانه‌های اطلاعاتی خویش را متمرکز و یکپارچه نماید (The Voice of Russia, 2013).

حوزه دیگری که سبب نگرانی مقامات روس شده است، بهداشت و سلامت است. آمار مبتلایان به بیماری‌هایی مانند ایدز و هیپاتیت سی در میان استفاده‌کنندگان مواد مخدر که این عمل را از طریق تزریق انجام می‌دهند به نحو نگران‌کننده‌ای در روسیه بالاست؛ به حدی که در برخی شهرها، بیش از نیمی از معتادان تزریقی به ایدز مبتلا هستند. رقم شیوع این‌گونه بیماری‌ها در شهرهای بزرگی مانند سنت‌پترزبورگ و یکاترینبورگ بیش از

پنجاه درصد است. از این رو، اقدامات دولت جهت کاهش و متوقف ساختن شیوع این بیماری‌ها از طریق توزیع متادون، سم‌زدایی و روان‌درمانی و اقداماتی از این دست در حال پیگیری است (Avert, 2014). همچنین برنامه‌های مشترکی از طریق دفاتر مرتبط با سازمان ملل متحد<sup>۱</sup> مانند توزیع سرنگ میان استفاده‌کنندگان مواد مخدر صورت گرفته است که البته چندان موفقیت‌آمیز به نظر نمی‌رسد (Ria Novosti, 2012).

### نتیجه‌گیری

روسیه و افغانستان روابط دیرپای سیاسی، اقتصادی و امنیتی با یکدیگر داشته و تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، افغانستان به عنوان یکی از همسایگان جبهه جنوبی روسیه شناخته می‌شده است. پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی هرچند روسیه از پذیرفتن تأمین امنیت متحدین خود در بلوک شرق سر باز زد، اما به مسائل همسایگان بلافصل خود که در دوره شوروی بخشی از این اتحادیه را تشکیل می‌دادند، همچنان حساس است. افغانستان به لحاظ جغرافیایی در موقعیت خارج نزدیک قرار ندارد، اما در جوار آن و همسایگی کشورهای آسیای مرکزی قرار دارد. وجود تهدیدهایی از جانب افغانستان علیه منافع و امنیت روسیه در سطوح مختلف داخلی و منطقه‌ای، روسیه را نسبت به این کشور حساس‌تر نموده و روس‌ها را برای کاهش امواج تهدیدهای برخاسته از افغانستان به تکاپو واداشته است.

بر اساس مباحث مطرح‌شده می‌توان گفت که سیاست امنیتی فدراسیون روسیه در قبال افغانستان سیاستی مبتنی بر واقع‌گرایی تدافعی بوده است. در این چارچوب، افغانستان به عنوان کشوری که از یک سو منبع صدور افراط‌گرایی، تروریسم و مواد مخدر و از سوی دیگر هم‌مرز با منطقه خارج نزدیک است، برای روسیه اهمیت ویژه‌ای یافته و دولتمردان کرملین در بازه زمانی موردنظر این مقاله، عمدتاً در پی تخفیف امواج تهدیدزا از جانب افغانستان بوده‌اند. در این راستا، روس‌ها به ایجاد و تقویت ثبات در افغانستان و ممانعت از صدور افراط‌گرایی، تروریسم، مواد مخدر و شرارت از افغانستان به منطقه خارج نزدیک که مبادرت نموده‌اند. همچنین فدراسیون روسیه تلاش کرده است تا با ایجاد و تقویت

<sup>۱</sup> دفتر ملل متحد پیرامون مواد مخدر و جرم (UNODC) و برنامه مشترک ملل متحد در زمینه ایدز (UNAIDS)



ائتلاف‌های منطقه‌ای مانند سازمان پیمان امنیت جمعی، سازمان همکاری شانگهای و سایر ترتیبات چندجانبه امنیتی، سیاسی و اقتصادی و نیز تحکیم روابط دوجانبه امنیتی خود، مانع از گسترش تهدیدهای افغانستان به عمق استراتژیک و سرریز آن به مرزهای خود شده و همزمان نفوذ آمریکا در آسیای مرکزی را محدود نماید.

تحلیل نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که فرضیه ارائه‌شده توسط یافته‌های مقاله اثبات و تکمیل شده است. در مجموع و بر اساس یافته‌ها به نظر می‌رسد که فدراسیون روسیه در دوره مورد بررسی تلاش کرده است تا در سطوح مختلف به اعمال سیاست‌هایی جهت کاهش یا رفع تهدیدهای برخاسته از افغانستان مبادرت نماید. در سطح نخست، این کشور سیاست‌هایی را در ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی - نظامی در افغانستان اتخاذ کرده که به طور عمده همکاری با ناتو، مبارزه علیه تروریسم، تولید و قاچاق مواد مخدر، تلاش برای نفوذ سیاسی در افغانستان، حضور و سرمایه‌گذاری اقتصادی، اعطا و فروش تسلیحات، کمک‌های نظامی، امنیتی و آموزشی بوده است. در سطح منطقه‌ای نیز به همکاری با ناتو و آمریکا در ابعاد تدارکاتی، ارتباطی و اطلاعاتی پرداخته و در جهت تقویت و تحکیم نظام‌های امنیت منطقه‌ای اوراسیا از جمله ترتیبات چندجانبه مانند سازمان همکاری شانگهای و سازمان امنیت جمعی و جلب مشارکت افغانستان در این مناسبات حرکت کرده است.

در مقام پیش‌بینی به نظر می‌رسد که هم‌زمان با خروج نیروهای ناتو از افغانستان، روسیه باید گونه‌ای از استراتژی را مدنظر قرار دهد که به حفظ ثبات در منطقه کمک کند. برخلاف عراق غنی از نفت، منابع اولیه درآمد افغانستان کمک‌های خارجی است و خروج کامل نیروهای ائتلاف به بیشتر این کمک‌ها خاتمه خواهد داد. در این شرایط امکان فعالیت بیشتر کشورهای نفت‌خیز خلیج فارس که منافع خود را در گسترش افراط‌گرایی تعریف کرده‌اند، فرصت مناسبی جهت حمایت مالی از گروه‌های مخالف دولت مرکزی خواهند یافت و این می‌تواند به معنی شروع بی‌ثباتی در مقیاس بزرگ در افغانستان، گسترش و تشدید درگیری‌های داخلی و رادیکالیزه شدن نیروهای سیاسی این کشور باشد. چنین سناریویی فدراسیون روسیه و کشورهای آسیای مرکزی را در معرض خطر گسترش افراط‌گرایی و تروریسم قرار می‌دهد. خیزش مجدد این تهدیدهای در افغانستان، آسیای مرکزی را نیز به واسطه روابط سنتی میان آن دو درگیر کرده و تبعات آن به قلمرو روسیه سرریز خواهد شد. با این حال سناریوی قدرت گرفتن مجدد طالبان در افغانستان بعید به نظر می‌رسد.

تهدید مهم دیگر که از جانب افغانستان متوجه روسیه است، موضوع مقابله با قاچاق مواد مخدر و در درجه نخست هروئین افغانستان است. مسئله مواد مخدر اصلی‌ترین چالش امنیتی افغانستان علیه روسیه است. به نظر می‌رسد در صورت ضعف نیروهای امنیتی افغان یا تضعیف دولت مرکزی کابل، بی‌تردید مسئله قاچاق مواد مخدر به روسیه در آینده به‌مراتب بغرنج‌تر خواهد شد.

## منابع و مأخذ

- پسندیده، سمیه (۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۰)، «فصل جدید روابط روسیه و افغانستان؛ فرصتی برای پاک کردن خاطرات تلخ»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح. قابل دسترسی در: <http://peace-ipsc.org/fa/wevf56s.ts032z.html>، زمان دسترسی: ۹ مرداد ۱۳۹۲.
- تقوایی، احسان (۹ اسفند ۱۳۸۹)، «حضور روسیه در افغانستان؛ منافع و چالش‌ها»، ایراس. قابل دسترسی در: <http://iras.ir/vdcd950f.yt0kk6a22y.html>، زمان دسترسی: ۱۲ مرداد ۱۳۹۲.
- تمنا، فرامرز (۱۳۸۷)، *سیاست خارجی آمریکا در افغانستان؛ طرح خاورمیانه بزرگ، دولت - ملت‌سازی و مبارزه با تروریسم*، چاپ اول تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جهانبخش، محمدتقی (۱۳۹۳)، «سیاست امنیتی فدراسیون روسیه در قبال افغانستان (۲۰۱۴-۲۰۰۱)»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات اوراسیا*، تهران، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.
- حسینی تبار سنگلاخی، سید محمد (۱۳۹۳)، *دلایل روی کار آمدن و سقوط مجاهدین در افغانستان*، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران - مطالعات سیاست خارجی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹)، «سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره اول.
- رضانی بونش، فرزاد، «نگاه کنونی روسیه به افغانستان»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، قابل دسترسی در: <http://peace-ipsc.org/fa/hemf26s.ss0j.html>، زمان دسترسی: ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۲.
- شفیعی، نوذر (۱۳۹۰)، *جریان‌های قدرت در افغانستان*، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- شکاری، عبدالقیوم (۱۳۸۵)، «مبارزه با تروریسم و جنبه‌های متعارض آن در آسیای مرکزی»، فصلنامه *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۵۶.
- شورای غیردولتی روابط خارجی موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران (۱۳۸۳) (الف)، *کتاب کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS) (۱): ویژه مسائل امنیتی CIS*، چاپ اول، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- شورای غیردولتی روابط خارجی موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران (۱۳۸۳) (ب)، *کتاب آسیا (۳): ویژه افغانستان پس از طالبان*، چاپ اول، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

- شورای غیردولتی روابط خارجی موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران (۱۳۹۱)، کتاب *کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS) (۴)*: ویژه مسائل استراتژیک روسیه، چاپ اول، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- شورای غیردولتی روابط خارجی موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران (۱۳۹۰)، کتاب *آسیا (۶)*: ویژه مسائل افغانستان، چاپ اول، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- طنین، ظاهر (۱۳۹۰)، *افغانستان در قرن بیستم*، چاپ سوم، تهران، محمدابراهیم شریعتی.
- فرجی راد، عبدالرضا، درخور، محمد و ساداتی، سید هادی (۱۳۹۰)، «بررسی روند دولت-ملت‌سازی در افغانستان و موانع پیش رو»، فصلنامه *دانشنامه*، شماره ۸۰.
- فیضی، سیروس (۱۳۹۰)، «منطقه نفوذ راهبرد قدرت‌های بزرگ»، فصلنامه *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
- کرمی، جهانگیر (الف) (۱۳۹۱)، *دکترین نظامی روسیه*، چاپ اول، تهران، دانشگاه امام حسین (ع).
- کرمی، جهانگیر (ب) (۱۳۸۴)، «نگرشی ساختاری به سیاست خارجی روسیه در بحران اوکراین»، ایراس. قابل دسترسی در: <http://iras.ir/vfgd175f.ys5gf6a1ly.html>، زمان دسترسی: ۱۲ مرداد ۱۳۹۲.
- کرمی، جهانگیر و عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۲)، «روابط امنیتی چین و آسیای مرکزی: از پیوندهای امنیتی تا مجموعه امنیتی منطقه‌ای»، فصلنامه *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال ششم، شماره دوازدهم.
- کولایی (طبرستانی)، الهه (۱۳۸۹)، *سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی*، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- کولایی، الهه و مطهره حسینی (۱۳۸۹)، «روبارویی روسیه با چین: زندگی در مرز خشونت»، فصلنامه *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۷۱.
- وزارت مبارزه علیه مواد مخدر جمهوری اسلامی افغانستان (۲۰۱۳)، *گزارش مواد مخدر افغانستان سال ۲۰۱۲*.
- هادیان، حمید (۱۳۸۸)، «ضعف ساختاری دولت - ملت‌سازی در افغانستان: جغرافیا و قومیت»، فصلنامه *راهبرد*، سال هجدهم، شماره ۵۱.
- هانتز، شیرین، جفری تامس و الکساندر ملیکیشویلی (۱۳۹۱)، *اسلام در روسیه: سیاست‌های هویتی و امنیتی*، ترجمه الهه کولایی و دیگران، چاپ اول، تهران، نشر نی.

– نور، نصیر احمد، «سخنرانی سفیر کبیر جمهوری اسلامی افغانستان در انجمن ایرانی روابط بین‌الملل»، سایت سفارت کبرای جمهوری اسلامی افغانستان در تهران، ۲۱ شهریور ۱۳۹۲.

- Adomeit, Hannes (2007), *Inside Or Outside? Russia's Policies towards NATO*, 2<sup>nd</sup> Edition, Oslo, Institute of International Affairs.
- Avert, “HIV & AIDS in Russia, Eastern Europe & Central Asia”, Avert(ing HIV and AIDS), Retrived: 20 July 2014, Avialable at: <http://www.avert.org/hiv-aids-russia-eastern-europe-central-asia.htm>, Accessed: 22 July 2014.
- *BBC News(A)*, “Bomb Traces in Both Russian Jets”, 29 August 2004, Avialable at: <http://news.bbc.co.uk/2/hi/europe/3607886.stm>, Accessed: 20 July 2014.
- *BBC News(B)*, “Many Dead in Moscow Metro Blast”, 6 February 2004, Avialable at: <http://news.bbc.co.uk/2/hi/europe/3464545graphic>, Accessed: 20 July 2014.
- Beckman, James(2007), *Comparative Legal Approaches to Homeland Security and Anti-Terrorism*, Hampshire, Ashgate Publishing.
- Boland, Julie, “Ten Years of the Shanghai Cooperation Organization”, *Brookings (Policy Paper)*, 20 June 2011, Avialable at: <http://www.brookings.edu/research/papers/2011/06/shanghai-cooperation-organization-boland>, Accessed:27 July 2014.
- *China Daily*, “36 killed in Train Blast Near Chechnya”, 5 December 2003, Avialable at: [http://www.chinadaily.com.cn/en/doc/2003-12/05/content\\_287783.htm](http://www.chinadaily.com.cn/en/doc/2003-12/05/content_287783.htm), Accessed: 12 July 2014.
- Chivers, C.J., “Bomb Derails Train in Russia”, *The New York Times*, 14 August 2007, Avialable at: [http://www.nytimes.com/2007/08/14/world/europe/14cnd-russia.html?ref=world&\\_r=0](http://www.nytimes.com/2007/08/14/world/europe/14cnd-russia.html?ref=world&_r=0), Accessed: 1 July 2014.
- Churkin, Vitaly, The Russian envoy to the UN, Vitaly Churkin has Told the UN Security Council, which has Extended the Mandate, 23 March 2010, Avialable at: <http://voiceofrussia.com/2010/03/23/5555249>, Accessed: 25 July 2014.
- Golunov, Serghei(2006), *Drug Trafficking as a Challenge for Russia's Security and Border Policies*, Budapest, Open Society Institute.
- Hedenskog, Jakob and Others (2005), *Russia as a Great Power: Dimensions of Security under Putin*, New York, Routledge.
- Hu, Feng-Yung(2013), “The Shanghai Cooperation Organization (SCO): Prospects and Problems in Russia-China Relations”, *Journalism and Mass Communication Quarterly*, Vol. 3, No. 2.

- International Narcotics Control Board (2014), *Report of the International Narcotics Control Board for 2013*.
- *International New York Times*, “Insurgents Seize School in Russia and Hold Scores”, 2 September 2004, Available at: <http://query.nytimes.com/gst/fullpage.html?res=9E02E0DB1231F931A3575AC029C8B63&sec=&pagewanted=2>, Accessed: 26 July 2014.
- Isachenkov, Vladimir, “Russia Suicide Bombing: Attack On Train Station Kills At Least 15 In Volgograd”, *Huffington Post*, 29 December 2013, Available at: [http://www.huffingtonpost.com/2013/12/29/russia-suicide-bombing\\_n\\_4514606.html](http://www.huffingtonpost.com/2013/12/29/russia-suicide-bombing_n_4514606.html), Accessed: 4 July 2014.
- Linn, Johannes(2005), *Central Asia Human Development Report*, Bratislava, UNDP Regional Bureau for Europe and the Commonwealth of Independent States.
- Mankoff, Jeffery(2011), *Russian Foreign Policy*, 2<sup>nd</sup> Edition, Maryland, Rowman & Littlefield Publishing.
- Mearsheimer, John(2014), *The Tragedy of Great Power Politics*, New York, W.W.Norton and Company.
- Menkiszak, Marek(2011), *Russia's Afghan Problem*, Warsaw, Osrodek Studiów Wschodnich.
- *MFA of the Russian Federation*, “Transcript of Russian Foreign Minister Sergey Lavrov’s Remarks and Answers to Media ”, 25 November 2010, Available at: [http://www.mid.ru/brp\\_4.nsf/0/23DE3F8537FC62A3C32577E7004803A1](http://www.mid.ru/brp_4.nsf/0/23DE3F8537FC62A3C32577E7004803A1), Accessed: 27 July 2014.
- MPC Team(2013), *MPC-Migration Profile: Russia*.
- Munoz, Arturo(2012), *U.S. Military Information Operations in Afghanistan: Effectiveness of Psychological Operations 2001-2010*, RAND.
- *NATO Site*, NATO-Russia Relations, , 6-7, Available at: <http://www.NATO.int/docu/comm/2004/06-istanbul/press-kit/009.pdf>, Accessed: July 2014
- Paton Walsh, Nick, “Chechen Gunmen Storm Moscow Theatre”, *The Guardian*, 23 October 2002, Available at: <http://www.theguardian.com/world/2002/oct/24/russia.chechnya>, Accessed: 14 July 2014.
- *Ria Novosti*, “No Clean Needles for Russian Addicts – Drug Official”, 13 April 2012, Available at: <http://en.ria.ru/russia/20120413/172807019.html>, Accessed: 14 July 2014.
- Smith, Julianne (2008), *The NATO-Russia Relationship*, Washington, Center for Strategic & International Studies.

- *The Voice of Russia*, “Russia to Create a Unified System to Prevent Drug Trafficking from Afghanistan”, Available at: [http://voiceofrussia.com/2013\\_09\\_13/Russia-to-create-a-unified-system-to-prevent-drug-trafficking-from-Afghanistan-8834](http://voiceofrussia.com/2013_09_13/Russia-to-create-a-unified-system-to-prevent-drug-trafficking-from-Afghanistan-8834), Accessed: 1 August 2014.
- *UN Security Council, Resolution 1890 (2009)-S/RES/1890 (2009)*, 8 October 2009, Available at: <http://www.un.org/en/sc/documents/resolutions/2009.shtml>, Accessed: 12 July 2014.
- Unnamed(A)(2008), “Illicit Drug Trends in Russian Federation”, *United Nations Office on Drugs and Crime-Regional Office for Russia and Belarus*.
- Unnamed(B)(2013), “Money Laundering and Financial Crimes Country Database”, *United States Department of State- Bureau for International Narcotics and Law Enforcement Affairs*.
- Unnamed(C)(2014), “World Drug Report 2014”, *United Nations Office on Drugs and Crime-Vienna*.
- Uyama, Tomohiko(2007), *Empire, Islam and Politics in Central Eurasia*, Hokkaido, Slavic Research Center-Hokkaido University.
- Zenn Jacob(2013), *Terrorism and Islamic Radicalization in Central Asia*, Washington, The Jamestown Foundation.